

قدرت پیش بینی ویژگی‌های شخصیتی و سبک زندگی بر رضایت‌مندی

زوجی زنان پرستار شهر شیراز

امین الله فاضل^۱، حسن حق شناس^۲ و زهرا کشاورز^{۳*}

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی قدرت پیش بینی ویژگی‌های شخصیتی و سبک زندگی بر رضایت‌مندی زوجی زنان پرستار می‌باشد. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه‌ی آماری، کلیه‌ی پرستاران زن متاهل بیمارستان‌های شهر شیراز بوده که تعداد ۱۴۰ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی به عنوان نمونه انتخاب و مورد پژوهش قرار گرفتند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه‌ی رضایت‌مندی زوجی انریچ، شخصیتی (NEO-FFI) و سبک زندگی میلر و اسمیت بود. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و هم‌چنین، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره از روش SPSS استفاده شد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که بین عامل عصبی بودن و مدت ازدواج با رضایت‌مندی زوجی رابطه‌ی منفی، ولی بین عامل توافق و سبک زندگی با رضایت‌مندی زوجی رابطه وجود دارد و بین عامل برون‌گرایی، بازبودن، وجدانی بودن و سن با رضایت‌مندی زوجی رابطه‌ای یافت نشد. نتایج دیگر پژوهش نشان داد که عامل عصبی بودن، توافق و مدت ازدواج به صورت معناداری رضایت‌مندی زوجی را پیش بینی می‌کنند. در حالی‌که برای عامل برون‌گرایی، باز بودن، وجدانی بودن از متغیرهای شخصیتی و عامل سن سهم معناداری پیدا نشد.

واژه‌های کلیدی: ویژگی‌های شخصیتی، عصبی بودن، برون‌گرایی، بازبودن، وجدانی بودن، توافق رضایت‌مندی زوجی، سبک زندگی، زنان پرستار.

۱- استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ارسنجان. fazel_amin@yahoo.com

۲- استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ارسنجان. haghshah@sums.ac.ir

۳- کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ارسنجان.

*- نویسنده‌ی مسئول مقاله: www.zhrakeshavarz7@gmail.com

پیشگفتار

خانواده اصلی‌ترین هسته‌ی هر جامعه و کانون حفظ سلامت و بهداشت روانی است و نه تنها محل تأمین نیازهای عاطفی، مادی، تکاملی و معنوی اعضای خود است بلکه مبدأ بروز عواطف انسانی و کانون صمیمانه‌ترین روابط و تعاملات بین فردی نیز می‌باشد.

همگام با دگرگونی‌های صنعتی در دنیا، خانواده‌ی ایرانی نیز در نیم قرن اخیر شاهد دگرگونی‌های چشمگیری در روابط خانوادگی، تعاملات اجتماعی- صنعتی و در نتیجه تغییر نگرش‌ها و علایق زنان نسبت به امور اجتماعی و اشتغال بوده است. از جمله زنانی که از دیر باز با کار و فعالیت در تمام مدت شبانه روز سرو کار داشته، زنان پرستار هستند. پرستاری شغلی است که بدون وقفه در شبانه روز فعال است، چرا که مراقبت از بیمار ساعت نمی‌شناسد، به همین دلیل آنان کم‌تر در خانه می‌توانند حضور داشته باشند و از سوی دیگر، کار شبانه ممکن است موجب اختلال در چرخه‌ی خواب و بیداری شود که پیامدهای فیزیولوژیک و روان‌شناختی در پی داشته باشد به گونه‌ای که آن‌ها به دلیل وظایف روزمره در طی روز، در خانه قادر به خوابیدن نیستند و اختلالات گوارشی، قلبی و مسایل و مشکلاتی در زمینه‌ی رضایت‌مندی زوجی مطرح می‌کنند، بویژه در زنان که مستعد تعارض بین کار و خانه هستند زیرا به گونه‌ی سنتی مسئولیت خانوادگی بیش‌تری را بر عهده گرفته‌اند. بنابراین، برای پیشگیری از وجود چنین مسایلی، شناسایی عوامل مؤثر و پیش بینی‌کننده که موجب استحکام خانواده می‌شود، امری ضروری است.

وقتی زن و شوهر از زندگی خود رضایت داشته باشند، خانواده از استحکام خوبی برخوردار می‌شود و آن‌ها می‌توانند با مسایل و مشکلات به درستی برخورد کنند و از آسیب‌ها در امان بمانند. بنابراین، از آن‌جا که رضایت زوجی می‌تواند در دوام و پایداری ازدواج نقش داشته باشد، اهمیت مسئله ایجاب می‌کند که هنگام همسرگزینی، افزون بر عوامل عینی نظیر مذهب، طبقه‌ی اجتماعی، شیوه‌ی لباس پوشیدن، سن، قیافه و تحصیلات به عواملی مهم‌تر چون ویژگی‌های شخصیتی که در دراز مدت پایدار هستند و سبک زندگی که تأمین‌کننده‌ی سلامت جسمانی و روانی افراد است و می‌تواند رضایت زوجین از زندگی‌شان را موثر سازد نیز توجه شود تا با انتخابی درست در سایه‌ی خشنودی و رضایت زوجی محیطی سالم و سازنده فراهم شود تا پایه و اساس نسل‌های آینده، پیشرفت جامعه، اعتلای فرهنگ و انتقال ارزش‌ها در آن امکان‌پذیر شود.

از آن‌جا که فعالیت و تلاش زنان، چه در خانه و چه در عرصه‌ی اشتغال، باعث ایجاد نقش‌های چندگانه برای آن‌ها شده است و از سوی دیگر، بهداشت روانی و رشد و تعالی جامعه در گرو سلامت و بهداشت روانی خانواده است، از آن‌جایی که عوامل شخصیتی و سبک زندگی می‌توانند با رضایت زوجی رابطه داشته باشند و حتی رضایت زوجی را پیش‌بینی کنند، در این پژوهش سعی شده

است تا به این مسئله پاسخ داده شود که آیا ویژگی‌های شخصیتی و سبک زندگی قدرت پیش‌بینی رضایت‌مندی زوجی بویژه در پرستاران را دارد یا نه؟

از سوی دیگر، زندگی زناشویی همیشه در معرض خطر بروز اختلافات متعددی از جمله: اعتیاد همسر، مشکلات مالی و اقتصادی و بیماری روانی، جسمی و یا جنسی یکی از زوجین می‌باشد، ولی گاهی اختلافات به گونه‌ای کاملاً متفاوت از آنچه ذکر شده خود را نشان می‌دهد. بیش‌تر اختلافات زناشویی با وجود نظام مشکلات، به دلیل عدم توافق زوجین در حل مسایل زندگی و یا عدم برقراری ارتباط موثر با یکدیگر رخ می‌دهد، بنظر می‌رسد که این تعارضات نه نتیجه‌ی عدم علاقه زوجین به همدیگر و نه به علت وجود اختلافات بنیادین است بلکه هر دو طرف در عین دوست داشتن یکدیگر، در روابط خود به گونه‌ی ناخواسته و شاید به دلیل نا آگاهی از ویژگی‌ها و صفات شخصیتی دچار مشکل می‌شوند که در نتیجه منجر به بالا گرفتن مشکلات زندگی زناشویی و افت رضایت‌مندی زوجی و حتی طلاق می‌شود.

با توجه به واقعیت‌های بیان شده و نظر به پیامدهای ویران‌گر ازدواج ناموفق و بهداشت جسمی و روانی زوجین، فرزندان و جامعه و از آن‌جا که آمار طلاق، کم شدن میانگین طول ازدواج یا زندگی اجباری و تحمیلی بدون رضایت از وضع موجود، رو به افزایش است، لزوم بررسی رضایت‌مندی زوجی و اعمال راهکارهای مناسب جهت افزایش آن و هم‌چنین عوامل مؤثر و پیش‌بینی‌کننده‌ی دارای اهمیت است زیرا رضایت فرد از زندگی زوجی، بخشی مهم از سلامت فردی بشمار می‌رود.

مبانی نظری

رضایت‌مندی زوجی

رضایت‌مندی زوجی^۱ یکی از جوانب بسیار مهم یک نظام زناشویی است که همسران در ازدواج خود تجربه می‌کنند و می‌تواند نقشی بسیار مهم در استحکام و دوام آن داشته باشد. در این میان، زن به عنوان پایه‌ی اساسی در تشکیل خانواده، نقشی اساسی در انسجام و دوام کانون خانواده و هم‌چنین نقش مهمی در پرورش و رشد شخصیت فرزندان و آینده‌سازان جامعه دارد.

وینچ (winch, 1974)، بر این باور است که رضایت‌مندی زوجی انطباق بین وضعیت موجود و وضعیت مورد انتظار است، یعنی انطباق بین انتظاراتی که فرد از زندگی زناشویی دارد و آنچه در زندگی خود تجربه می‌کند. فهیمی (Fahimi, 2002)، مهم‌ترین عامل و شاخص تعیین‌کننده‌ی کیفیت ازدواج را، رابطه‌ی بین زن و شوهر و رضایت‌مندی زوجی می‌داند و بر این باور است که

^۱ -Marital Satisfaction

رابطه‌ی زناشویی رضایت بخش، تأثیر زیادی بر بهداشت روان و رشد شخصیتی زوجین دارد. هم‌چنین، بنی اسدی (Baniasadi, 2002)، باور دارد که کیفیت مطلوب ازدواج می‌تواند رضایت زوجی و در پی آن پایداری رابطه‌ی زوجی را به دنبال داشته باشد.

در مطالعات مربوط به رضایت زوجی، دو دیدگاه مطرح شده است: نخستین دیدگاه، علل درون فردی سازگاری^۱ را مطرح می‌کند که نظریه پردازان صفت^۲ و روان تحلیل‌گری^۳ بیش‌تر طرفدار آن هستند. بدین معنی که ویژگی‌های شخصیتی شریک ازدواج^۴ باعث همسانی پایداری و رضایت‌مندی دو جانبه یا ناپایداری همراه با نارضایتی می‌شود. دیدگاه دوم، به مسایل بین فردی توجه دارد. این دیدگاه در بین روان‌درمان‌گران رفتار گرا، محبوبیت و جاذبه‌ی بیش‌تری دارد. براساس این دیدگاه، مشکل اصلی زوج‌های مسئله دار به ناسازگاری زوج‌ها برمی‌گردد. بدین صورت که رفتارها به جای پاداش بیش‌تر تنبیه در پی دارند. چون در حقیقت همسران آشفته، در مهارت‌های اجتماعی خود ضعف دارند و در تماس با همسر خود، کنش‌ها و واکنش‌های رفتاری منفی زیادی نشان می‌دهند (Perelman, 1988; quoted by Baniasadi, 2002).

دیدگاه دیگر دیدگاه تلفیقی است که بر اساس آن بسیاری از پژوهشگران باور دارند که هر دو عامل (تعامل‌های بین فردی و صفات شخصیتی) در کیفیت روابط زوجین اهمیت دارند (Caughin, Huston & Houts, 2002).

ویژگی‌های شخصیتی

ویژگی‌های شخصیتی^۵ یکی از عوامل تأثیر گذار بر رضایت‌مندی زوجی است. کنترل در توصیف شخصیت می‌گوید: شخصیت آن چیزی است که این امکان را فراهم می‌آورد تا آن‌چه که شخصی در موقعیتی انجام خواهد داد، پیش بینی شود.

کوستا و مک کری (Costa, McCrea, 1987)، شخصیت را متشکل از پنج عامل اصلی می‌دانند. فرض بر این است که این پنج عامل بسیاری از ویژگی‌های شخصیتی را پوشش می‌دهد، گرایش عصبی بودن (بی‌ثباتی هیجانی) با خشم، اضطراب و افسردگی همراه است و برون‌گرایان نیز تمایل به فعالیت‌های جسمی و کلامی دارند. شخص وظیفه‌مدار با سخت‌کوشی، انضباط و جدیت مشخص می‌شود. فرد موافق، اساساً با تواضع، همدلی، بخشندگی، مهربانی، سخاوت، نوع دوستی و

^۱- Inter Personal adjustment

^۲- Trait theoristian

^۳- Psycho analyze

^۴- Marriage Partner

^۵- Trait Personality

اعتماد ورزی مشخص می‌شود و در نهایت، باز بودن نیز با ویژگی‌های مانند علایق هنری، فرهنگی، خلاقیت، خردورزی قابل تشخیص است (Haghshenas, 2006).

سبک زندگی^۱

سبک زندگی، روشی است که افراد در طول زندگی انتخاب کرده‌اند و زیر بنای آن در خانواده پی ریزی می‌شود که در واقع متأثر از فرهنگ، نژاد، مذهب، وضعیت اقتصادی، اجتماعی و باورها می‌باشد. براساس تعریف سازمان بهداشت جهانی، سبک زندگی به روش زندگی مردم با بازتابی کامل از ارزش‌های اجتماعی، طرز برخورد و فعالیت‌ها اشاره دارد. هم‌چنین، ترکیبی از الگوهای رفتاری و عادات فردی در سراسر زندگی (فعالیت بدنی، تغذیه، اعتیاد به الکل، دخانیات و...) است که در پی فرایند اجتماعی شدن بوجود آمده است (Estagi, 2006).

آدلر در خصوص پدید آمدن سبک زندگی بر این باور بود که همه‌ی انسان‌ها به نوعی احساس کهنتری مبتلا هستند که با روش خاصی درصد برطرف کردن آن هستند، این رویه‌ی منحصر به فرد، برای جبران احساس کهنتری، سبک زندگی افراد را ایجاد می‌کند. سبک زندگی در سه دوره به کمال خود می‌رسد، دوران کودکی، زمان شکل‌گیری پنج ریشه‌ی اساسی سبک زندگی است که عبارتند هستند از: سلامتی و ظاهر، وضعیت اقتصادی - اجتماعی، نگرش‌های والدینی، منظمه‌های خانوادگی و نقش جنسیتی؛ دومین بعد از سبک زندگی، نگرش‌ها نسبت به تکالیف زندگی می‌باشند که در دوران نوجوانی تحول می‌یابند. این نگرش‌ها عبارتند از: نگرش نسبت به خود، نگرش به سوی مشکلات، نگرش به سوی دیگران، نگرش به سوی جنس مخالف و نگرش به زندگی. سومین بعد از سبک زندگی، تکالیف زندگی است. آدلر بر سه تکالیف اساسی در زندگی تأکید دارد که عبارتند از: دیگران، شغل، عشق و مسایل جنسی (Stien, 2003). سبک زندگی در بزرگسالی در اهداف و راه‌های رسیدن به آن‌ها خود را نمایان می‌کند. افراد افزون بر سبک زندگی فردی، نوعی سبک زندگی مشترک در زندگی زناشویی دارند که می‌توانند در جهت اهداف مشترک یا اهداف خودخواهانه باشد.

به باور آدلر (Adler, 1992)، بی‌گمان ازدواج و عشق شکلی از همکاری هستند، اما نه تنها همکاری برای رفاه دو نفر بلکه همکاری برای رفاه نوع بشر (quoted by ghorbanali poor, 2008).

^۱ -Life Style

هدف این پژوهش تعیین قدرت پیش‌بینی ابعاد شخصیت (عصبی بودن، برون‌گرایی، باز بودن، وجدانی، توافق) و سبک زندگی بر رضایت‌مندی زوجی و عامل سن و مدت ازدواج بر رضایت‌مندی زوجی می‌باشد.

فرضیه‌های مطرح شده در این پژوهش عبارتند از:

- ۱- ویژگی‌های شخصیت (عصبی بودن، برون‌گرایی، باز بودن، وجدانی بودن، توافق) پیش‌بینی‌کننده‌ی معنادار رضایت‌مندی زوجی می‌باشند.
- ۲- عامل سبک زندگی پیش‌بینی‌کننده‌ی معنادار رضایت‌مندی زوجی است.
- ۳- عامل سن پیش‌بینی‌کننده‌ی معنادار رضایت‌مندی زوجی است.
- ۴- عامل مدت ازدواج پیش‌بینی‌کننده‌ی معنادار رضایت‌مندی زوجی است.

پیشینه‌ی پژوهش

نظریه‌ها و الگوهای مطرح شده در حوزه‌ی زناشویی روشن‌کننده‌ی این نکته‌اند که عوامل گوناگونی بر رضایت‌مندی، پایداری و ناپایداری ازدواج اثر دارند. از جمله در خصوص ویژگی‌های شخصیتی و سبک زندگی ادعاهای گوناگونی مطرح شده است. راجرز (Rojers, 1999)، در بررسی رابطه‌ی بین رضایت زناشویی و صفات شخصیتی نشان می‌دهد که هم در مردان و هم در زنان از روی صفات پنج‌گانه‌ی نئو می‌توان رضایت زناشویی را پیش‌بینی کرد. از سوی دیگر، صفات روان‌آزردگی، وجدانی بودن و توافق‌پذیری نقشی مهم را ایفا می‌کنند.

نیمچک والسون (Nemchec & Olson, 1999)، با استفاده از مدل پنج‌عاملی شخصیت به نتایج زیر دست یافتند: الف: شباهت در سطوح وجدانی بودن هم برای زنان و هم برای شوهران ارتباطی معنی‌دار با سازگاری زناشویی دارد. ب: شباهت در ویژگی‌های توافق‌زوجه‌ها فقط با سازگاری زناشویی شوهران رابطه دارد. ج: شباهت زوج‌ها در ویژگی‌های عصبیت فقط با سازگاری زناشویی زنان رابطه دارد و نه شوهران. د: باز بودن احساسات (عواطف) با سازگاری زناشویی زنان رابطه داشته و شباهت زوج‌ها در برون‌گرایی نه برای شوهران با سازگاری زناشویی رابطه داشته نه برای زنان.

در پژوهش بین‌مقطعی که شیوتا و لوینسون (Shiota & Levinson, 2007)، ارتباط بین شباهت در پنج عامل بزرگ‌تر شخصیت و رضایت زناشویی را در دوره‌های دراز مدت بررسی کردند، نشان دادند که شباهت بیش‌تر در ویژگی‌های شخصیتی شیب‌های منفی‌تری را در خط سیرهای رضایت زناشویی پیش‌بینی می‌کند. افزون بر این، شباهت زناشویی در صفات وظیفه‌شناسی و برون‌گرایی به میزان قوی‌تری رضایت زناشویی منفی را در بین زوجین، پیش‌بینی کرد.

در پژوهش شاکل فورد، بی سر وگاتز (Shakelford, Besser, Goets, 2007)، رابطه‌ی شخصیت، رضایت زناشویی و احتمال خیانت زناشویی را بررسی کردند. آن‌ها دریافتند که: ۱- بین سطح پایین توافق زوجین و رضایت زناشویی رابطه‌ی منفی وجود دارد. ۲- بین سطوح پایین وجدانی و رضایت زناشویی رابطه‌ی منفی وجود دارد. ۳- بین سطوح بالای روان رنجورخویی زوجین و رضایت زناشویی رابطه‌ی منفی وجود دارد.

یانیک (Yannik, 2009)، در پژوهش خود با عنوان بازبودن به تجربه در رضایت از زندگی افراد فعال مسن، با استفاده از تحلیل رگرسیون چند گانه نشان داد که ویژگی باز بودن به تجربه ورای سلامت و رضایت مالی ارتباط بیش‌تری با رضایت زناشویی دارد و پیش‌بینی‌کننده‌ی بهتری برای رضایت از زندگی است.

مالوف، شات، بالر و روک (Malouf, 2010, Schutte, Bhullar & Rook) در پژوهش خود با عنوان مدل پنج‌عاملی شخصیت، رضایت و صمیمیت همسران، در یک فرا تحلیل نشان داد که ۴ مدل از ۵ عامل شخصیت ارتباطی معنادار با رضایت و صمیمیت همسران با یکدیگر دارند که عبارتند از: عصبی بودن کم، توافق، برون‌گرایی و وجدانی بودن بالا. زمانی منفرد (Zmani monfared, 1998)، در بررسی خود با عنوان بررسی رابطه‌ی سطح نیازمندی زناشویی و سطح توانایی ابراز وجود در گروههایی از زوجین ساکن در دو شهرک وابسته به یکی از سازمان‌های تهران دریافت که با افزایش طول زندگی مشترک به علت بروز اختلاف‌ها، سازگاری زناشویی کم‌تر می‌شود.

رجبی و بنگانی (Rajabi & Bangani, 2008)، در پژوهش خود با عنوان بررسی رابطه‌ی بین ویژگی‌های شخصیتی و مؤلفه‌های عشق با رضایت زناشویی در کارکنان متأهل اداره‌های دولتی شهر اهواز، در نمونه‌ای با تعداد ۴۰۳ نفر که از پرسشنامه‌ی رضایت زناشویی و شخصیتی نئو استفاده کرده بودند، به نتایج زیر دست یافتند. ۱- بین روان رنجورخویی (از ویژگی‌های شخصیتی) و رضایت زناشویی رابطه‌ی منفی وجود دارد. ۲- بین ویژگی‌های شخصیت (برون‌گرایی، بازبودن برون به تجربه، توافق‌پذیری و وجدانی بودن) و رضایت زناشویی رابطه‌ی مثبت وجود دارد. ۳- ویژگی‌های شخصیتی روان رنجورخویی، برون‌گرایی و بازبودن نسبت به تجربه رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند. ۴- مؤلفه‌ی عشق (صمیمیت) رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌نماید. احدی و اسکندری (Ahadi & Eskandari, 2009)، در پژوهشی با عنوان شخصیت و رضایت زناشویی با تعداد ۴۰۰ نمونه و استفاده از پرسشنامه‌ی شخصیتی نئو و رضایت‌مندی زوجی انریچ، نتیجه گرفتند که بین عامل عصبی بودن با رضایت‌مندی زوجی رابطه‌ی منفی و بین عامل توافق و وجدانی بودن رابطه‌ی مثبت وجود دارد، ولی بین عامل باز بودن و برون‌گرایی با رضایت‌مندی رابطه‌ی یافت نشد.

جنتی جهرمی، معین و یزدانی (Janati Jahromi, moein, yazdani, 2010)، در پژوهش خود با عنوان بررسی و مقایسه‌ی رابطه‌ی میان ویژگی‌های شخصیتی و رضایت‌مندی زناشویی در زنان شاغل شهر کازرون با تعداد ۲۰۰ نفر به عنوان نمونه و استفاده از ابزار رضایت زناشویی انریچ و پرسشنامه‌ی شخصیتی نئو به نتایج زیر دست یافتند: ۱- بین عامل عصبی بودن (بی ثباتی هیجانی) و برون‌گرایی با رضایت زناشویی رابطه‌ی منفی و معنادار وجود دارد. ۲- بین عامل باز بودن با رضایت زناشویی رابطه‌ی مستقیم وجود دارد.

هیگلندر (Higlander, 1984)، در پژوهش خود نشان داد که تغییر سبک زندگی بویژه در افراد افسرده تداوم زندگی مشترک را باعث می‌شود (quoted by jahan govah, 2009).

آقایی، ملک پور و مصور (Aghaei, Malekpour & Mosavar, 2004) در پژوهشی با عنوان رابطه‌ی بین سبک زندگی و رضایت زناشویی در هنرمندان و مقایسه‌ی آن با افراد عادی با تعداد ۳۹ نفر بازیگر، ۳۵ نفر موسیقی‌دان، ۳۷ نفر نقاش، ۳۸ نفر شاعر، ۴۳ نفر افراد عادی به عنوان نمونه که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده بودند و استفاده از پرسشنامه‌ی رضایت زناشویی انریچ و سبک زندگی محقق ساخته به نتایج زیر دست یافتند:

۱- بین سبک زندگی و رضایت زناشویی رابطه‌ی معنادار وجود دارد. ۲- بین سبک زندگی افراد عادی و هنرمند تفاوت معنادار وجود دارد. ۳- بین درآمد و رضایت زناشویی هنرمندان رابطه‌ی مستقیم وجود دارد. ۴- بین سبک زندگی و تعداد فرزندان هنرمندان رابطه‌ی مستقیم دیده می‌شود. هیرومی (Hirom, 1988)، دریافت که سن ازدواج در زنان و مردان با احتمال جدایی رابطه‌ی منفی دارد (quoted by Shokrkon, Khojasteh mehr, Attari, , Shahni Yeilagh, 2006).

کارنی و برادبوری (Karny & Bradbury, 2000)، نشان دادند که روی هم رفته، سن بالاتر در زنان، ازدواج با ثبات رضایت زناشویی بیش‌تری را پیش‌بینی می‌کند. زمانی منفرد (Zamani monfared, 1998)، در پژوهش خود دریافت که با افزایش طول زندگی مشترک به علت بروز اختلاف‌ها، سازگاری زناشویی کم‌تر می‌شود.

شبان‌ی حصار (SHabani hear, 2001)، نشان داد که بیش‌ترین میزان رضایت‌مندی زناشویی مربوط به زوجینی است که کم‌تر از ۵ سال از زندگی زناشویی آن‌ها می‌گذرد و کم‌ترین میزان رضایت‌مندی زناشویی مربوط به زوجینی است که ۵ تا ۱۰ سال از زندگی زناشویی آن‌ها گذشته است.

روش پژوهش

این پژوهش که به بررسی قدرت پیش‌بینی ویژگی‌های شخصیتی و سبک زندگی بر رضایت‌مندی زوجی در زنان پرستار می‌پردازد، پژوهش غیرآزمایشی از نوع همبستگی می‌باشد.

جامعه‌ی آماری نمونه و روش اجرای پژوهش

جامعه‌ی آماری این پژوهش کلیه‌ی پرستاران بیمارستان‌های شهر شیراز در سال ۸۹ - ۱۳۸۸ بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی تعداد ۱۴۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند.

ابزارهای گرد آوری داده‌ها

به منظور اجرای پژوهش از پرسشنامه شخصیتهی نئو و پرسشنامه‌ی رضایت زناشویی انریچ استفاده شد.

پرسشنامه‌ی شخصیتهی نئو اف آی^۱

این پرسشنامه ابتدا در سال ۱۹۸۵ با عنوان نئو با ۱۸۵ پرسش به وسیله‌ی کاستا و مک کری تهیه شد. پس از آن، براساس همین پرسشنامه، فرم‌های ۲۴۰ و ۶۰ پرسشی آن نیز به وسیله‌ی همین پژوهشگران ساخته شد. در این پژوهش از آزمون نئو، اف آی که دارای شصت پرسش است، استفاده شده است که در ایران به وسیله‌ی حق شناس (Haghshenas, 2004) هنجاریابی و مورد استفاده قرار گرفته است و برای ارزیابی مختصر و سریع پنج عامل اصلی (بی ثباتی هیجانی، برون‌گرایی، بازبودن، وجدانی بودن و توافق) طراحی شده است. این آزمون از پنج مجموعه‌ی ۱۲ جمله‌ای مربوط به هر یک از شاخص‌ها تشکیل شده است و می‌توان آن را به صورت فردی و گروهی اجرا کرد.

نئو اف آی بمنظور ارزیابی فرم کوتاهی از نئو پی آی آر ساخته شده و با این‌که هنجار جدیدی برای آن ارایه شده، اما دارای همان شکل اولیه است. گزینش عبارتهای آزمون بر اساس محاسبات اعتباریابی واکاوی عوامل از روی آزمون نئو پی آی آر انجام گرفته است (Costa, McCrea, 1987).

پایایی این آزمون به وسیله‌ی کاستا و مک کری با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای عصبی بودن (N)، برون‌گرایی (E)، باز بودن (O)، توافق (A) و وجدانی بودن (C) به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۰، ۰/۷۵، ۰/۶۹ و ۰/۷۹. و به وسیله‌ی حق شناس (Haghshenas, 2004) ۰/۰۸۶، ۰/۷۷، ۰/۷۳، ۰/۶۸ و ۰/۸۱ گزارش شده است.

^۱ -NEO-FFI Personality Inventory

پرسشنامه‌ی رضایت زناشویی انریچ^۱

پرسشنامه‌ی انریچ به وسیله‌ی اولسون، فورنیر، جوئن و دارنکمن در سال ۱۹۸۹ در آمریکا، با هدف ارزیابی و شناسایی زمینه‌های بالقوه‌ی مشکل‌زا و شناسایی زمینه‌های قوت و پر باری روابط زناشویی ساخته شده است (Sanaei, 2000).

این پرسشنامه دارای ۱۱۵ گویه است و از ۱۲ خرده مقیاس تشکیل شده است. شکل کوتاه این پرسشنامه دارای ۴۷ پرسش است که به وسیله‌ی سلیمانیان (Soleimanian, 1994) هنجاریابی شده و ضریب اعتبار ۰/۹۵ بدست آمده است. برای هر یک از گویه‌های این پرسشنامه پنج گزینه‌ی (کاملاً موافقم، موافقم، نه موافق و نه مخالف، مخالف، مخالفم و کاملاً مخالفم) به صورت طرح لیکرت منظور شده است. برخی از گویه‌های این پرسشنامه به صورت مستقیم و بقیه معکوس نمره گذاری می‌شوند. اولسون (Olson, 1989)، ضرایب آلفای کرونباخ پرسشنامه انریچ را در خرده مقیاس‌های آن از ۰/۴۸ تا ۰/۹۰ گزارش کرده است.

عبدالله زاده (Abdollahzadeh, 2003) در پژوهش خود که در مورد ۱۸۲ زوج شهر دامغان انجام داد، آلفای کرونباخ پرسشنامه‌ی انریچ را ۰/۹۳ گزارش کرده است و در مورد ۳۵ زوج به فاصله‌ی ۱۲ روز دوباره اجرا کرد. همبستگی اجرای نخست با اجرای دوباره‌ی این آزمون ۰/۷۸ برای مردان و ۰/۸۳ برای زنان بوده است (quoted by Esfandiari Tashvih, 2009).

پرسشنامه‌ی سبک زندگی میلر و اسمیت^۲

این پرسشنامه دارای بیست پرسش است که از روی پرسشنامه‌ی اصلی به فارسی و سپس به انگلیسی برگردانده شده است (در هر نوبت به وسیله‌ی ۳ نفر) و هر پرسش دارای پنج پاسخ (همیشه = ۱، اغلب = ۲، گاهی اوقات = ۳، به ندرت = ۴، و هرگز = ۵) می‌باشد. نمره‌های بالاتر نشان دهنده‌ی سبک زندگی ناخوشایند و ناسالم است. روایی پرسشنامه‌ی یاد شده پس از ترجمه به روش باز ترجمه به وسیله‌ی اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان تأیید شده و پایایی آن در یک مطالعه پایلوت در مورد ۲۰ بیمار مبتلا به بیماری ریه ۰/۸۶ و آلفای کرونباخ تک تک پرسش‌ها بالاتر از ۰/۵ بدست آمد. در این پژوهش بمنظور بدست آوردن پایایی، پرسشنامه‌ی سبک زندگی در مورد ۳۰ نفر از پرستاران با فاصله‌ی دو هفته اجرا شد و پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵ بدست آمد.

^۱ -Enrich Marital Satisfaction Inventory

^۲ -Miller, Smith Life Style Inventory

روش اجرای پرسشنامه و گرد آوری داده‌ها

برای گرد آوری داده‌ها، پس از هماهنگی‌های لازم با دانشگاه علوم پزشکی و کسب مجوز در خصوص اجرای پرسشنامه در پرستاران بیمارستان‌های حافظ، شهید بهشتی و سعدی، به مکان‌های مورد نظر مراجعه کرده و پس از جلب همکاری آزمودنی‌ها برای شرکت در پژوهش، پاکتی شامل دو پرسشنامه، در اختیار آن‌ها قرار گرفت. پرسشنامه‌ها که با شماره‌های ۲، ۱ و ۳ نامگذاری شده بودند، به ترتیب شامل پرسشنامه‌ی ویژگی‌های شخصیتی، پرسشنامه‌ی سبک زندگی و پرسشنامه رضایت زناشویی بود. همراه هر پرسشنامه راهکار تکمیل آن وجود داشت، ابتدا در مورد پرسشنامه‌ها و هدف پژوهش، داده‌هایی به آزمودنی داده شد و سپس از آن‌ها خواسته شد ضمن مطالعه‌ی راهکارها، با دقت و صداقت به پرسشنامه‌ها پاسخ گویند و در پایان جلسه به پرسش‌های آزمودنی‌ها در مورد پژوهش پاسخ داده شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

پس از گرد آوری داده‌ها، به وسیله‌ی برنامه‌ی نرم افزار SPSS بمنظور تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از شاخص‌های مرکزی اعم از میانگین و انحراف معیار استفاده شد و جهت آزمون فرضیه‌ها از ضریب همبستگی و رگرسیون چند متغیره استفاده شد.

یافته‌های توصیفی

در این بخش یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای مورد پژوهش آورده می‌شود. این یافته‌ها تصویری روشن، از عملکرد آزمودنی‌ها در متغیرهای پژوهش نشان خواهند داد و راه را برای تحلیل‌های بعدی داده‌های پژوهش خواهد گشود که در ادامه بیان می‌شوند.

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار سن افراد و مدت ازدواج افراد مورد مطالعه

تعداد	کم‌ترین نمره	بیش‌ترین نمره	میانگین	انحراف معیار	
۱۴۰	۲۱	۶۰	۳۲/۱۶	۱۶/۸۲	سن
۱۴۰	۱	۲۸	۷/۴۹	۶/۳۲	مدت ازدواج

نتایج جدول ۱ حاکی از این است که افراد مورد مطالعه دامنه‌ی سنی بین ۲۰ تا ۶۰ سال دارند و میانگین سنی گروه مورد مطالعه ۳۲/۱۶ است که این مسئله حاکی از جوان بودن گروه مورد

مطالعه اشاره دارد. در ارتباط با مدت ازدواج نیز میانگین ۷/۴۹ است که نشان می‌دهد میانگین مدت ازدواج حدود هفت سال و نیم است.

جدول ۲- میانگین و انحراف معیار نمره های افراد مورد مطالعه در پرسشنامه‌ی شخصیت

ابعاد	تعداد	کم‌ترین نمره	بیش‌ترین نمره	میانگین	انحراف معیار
عصبی بودن	۱۴۰	۲۰	۵۱	۳۳/۷۵	۵/۶۳
برون‌گرایی	۱۴۰	۱۸	۴۸	۳۴/۷۱	۴/۸۶
باز بودن	۱۴۰	۲۶	۵۲	۳۹/۷۵	۴/۲۹
وجدانی بودن	۱۴۰	۲۸	۵۲	۳۹/۳۶	۴/۲۵
توافق‌پذیری	۱۴۰	۳۰	۶۰	۴۴/۶۲	۵/۸۷

همان‌گونه که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، بالاترین میانگین نمره‌ها مربوط به توافق‌پذیری و باز بودن است. جدول بالا شمایی کلی از وضعیت آزمودنی‌ها به ما ارائه می‌دهد.

یافته‌های توصیفی افراد مورد مطالعه در شاخص رضایت‌مندی زوجی و سبک زندگی

جدول ۳- میانگین و انحراف معیار افراد مورد مطالعه در سبک زندگی و رضایت‌مندی زوجی

ابعاد	تعداد	کم‌ترین نمره	بیش‌ترین نمره	میانگین	انحراف معیار
سبک زندگی	۱۴۰	۲۱	۷۳	۴۸/۸۹	۱۰/۴۰
رضایت‌مندی زوجی	۱۴۰	۷۲	۲۲۸	۱۶۷/۰۷	۳۱/۳۹

نتایج جدول بالا حاکی از این است که نمره‌ی سبک زندگی افراد مورد مطالعه دامنه‌ی بین ۲۱ تا ۷۳ را نشان می‌دهد. میانگین سبک زندگی گروه مورد مطالعه ۴۸/۸۹ می‌باشد. همچنین، نمره‌ی رضایت‌مندی زوجی افراد مورد مطالعه‌ی دامنه‌ی بین ۷۲ تا ۲۲۸ نمره را نشان می‌دهد که میانگین رضایت‌مندی زوجی گروه مورد مطالعه ۱۶۷/۰۷ می‌باشد.

یافته‌های استنباطی

با توجه به هدف اصلی پژوهش، از رگرسیون چند گانه برای تعیین سهم هر یک از ابعاد شخصیت و سبک زندگی در پیش بینی رضایت‌مندی زوجی استفاده شد. به همین منظور، با توجه به این که هدف اولیه‌ی پژوهش بررسی رابطه‌ی ابعاد شخصیت و سبک زندگی در پیش‌بینی رضایت‌مندی

زوجی بوده است؛ لذا، در ابتدا ماتریس همبستگی بین متغیرها و سپس نتایج آمار استنباطی هر یک از پرسش‌های پژوهش آمده است.

جدول ۴- ماتریس همبستگی بین ابعاد شخصیت، سن، مدت ازدواج و رضایت‌مندی زوجی

رضایت-مندی زوجی	سن	مدت ازدواج	عصبی بودن	برون‌گرایی	باز بودن	توافق پذیری	سبک زندگی
۱-رضایت‌مندی	-						
۲- سن	۰/۲۶*	-					
۳- مدت ازدواج	۰/۳۵*	۰/۸۱*	-				
۴-عصبی بودن	۰/۴۵*	۰/۱۸*	۰/۱۴	-			
۵- برون‌گرایی	۰/۱۵	۰/۰۹	۰/۳۰*	-			
۶- باز بودن	۰/۰۷	۰/۰۴	۰/۰۱	۰/۲۵*	-		
۷- وجدانی بودن	۰/۱۴۸	۰/۰۳	۰/۰۸	۰/۰۷۹	۰/۱۸*	-	
۸- توافق پذیری	۰/۲۵*	۰/۰۳	۰/۰۸	۰/۱۶	۰/۰۹	۰/۲۲*	۰/۴۱*
۹-سبک زندگی	۰/۲۰*	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۲۷	۰/۱۵	۰/۰۱	۱

$P < 0.01$

نتایج مندرج در جدول ۴ نشان می‌دهند که سن، مدت ازدواج به گونه‌ی منفی با رضایت‌مندی زوجی رابطه دارد. عصبی بودن (بی‌ثباتی هیجانی)، به گونه‌ی منفی و توافق‌پذیری به گونه‌ی مثبت به ترتیب با ضرایب همبستگی -0.45 و 0.25 رابطه‌ی معنادار دارد. در ادامه بمنظور فرضیه‌های زیر از روش رگرسیون استفاده شده است که ابعاد شخصیت، عامل سن و مدت ازدواج، رضایت‌مندی زوجی را پیش‌بینی می‌کنند.

پیش‌بینی رضایت‌مندی زوجی با توجه به ابعاد شخصیت

فرضیه‌ی نخست -ویژگی‌های شخصیت (عصبی بودن، برون‌گرایی، باز بودن، وجدانی بودن، توافق) پیش‌بینی‌کننده‌ی معنادار رضایت‌مندی زوجی می‌باشند.

جهت آزمودن این فرضیه‌ی پژوهش، از تجزیه و تحلیل رگرسیون چندگانه (به شیوه‌ی همزمان) استفاده شد که نتیجه به شرح زیر می‌باشد و برای تعیین این‌که هر یک از ابعاد شخصیت به چه میزان و در چه جهتی رضایت‌مندی زوجی را پیش‌بینی می‌کنند، از رگرسیون چندگانه (به شیوه‌ی همزمان^۱) استفاده شد. خلاصه‌ی نتایج این تحلیل در زیر ارائه شده است.

جدول ۵- خلاصه‌ی مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون ابعاد شخصیت بر رضایت‌مندی زوجی

متغیر پیش بین	R	R2	B	B	T	P	SIG
عصبی بودن			-۲/۳۵	-۰/۴۱	-۵/۲۲	/۰۰۱	/۰۰۰۱
برون‌گرایی			۰/۰۶۱	۰/۰۰۹	/۱۰	N.S	
بازبودن	/۴۸۶	/۲۴	-۰/۱۲۷	-۱/۰۱۷	-۲۶	N.S	
وجدانی بودن			۰/۳۶	۰/۰۴۹	/۵۶	N.S	
توافق			۰/۹۱	۰/۱۷	۲/۰۰۲	۰/۰۵	

همان‌گونه که از داده‌های ارائه شده در جدول ۵ بر می‌آید، ۲۴ درصد واریانس رضایت‌مندی زوجی به وسیله‌ی ابعاد شخصیت تبیین می‌شود. در بین ابعاد یاد شده، عصبی بودن (بی‌ثباتی هیجانی) با ضریب بتای $-۰/۴۱$ - به صورت منفی سهمی معنی‌دار در پیش‌بینی رضایت‌مندی زوجی دارد. توافق‌پذیری نیز با ضرایب $۰/۱۷$ به صورت مثبت رضایت‌مندی زوجی را پیش‌بینی می‌کند.

پیش‌بینی رضایت‌مندی زوجی با توجه سبک زندگی

فرضیه‌ی دوم: سبک زندگی پیش‌بینی‌کننده‌ی معنادار رضایت‌مندی زوجی می‌باشد. جهت آزمودن این فرضیه‌ی پژوهش از تجزیه و تحلیل رگرسیون چندگانه (به شیوه‌ی همزمان) استفاده شد که نتیجه به شرح زیر می‌باشد:

برای تعیین این‌که سبک زندگی چه اندازه و در چه جهتی رضایت‌مندی زوجی را پیش‌بینی می‌کند، از رگرسیون چندگانه (به شیوه‌ی همزمان) استفاده شد. خلاصه‌ی نتایج این تحلیل در جدول ۶ ارائه شد.

^۱ - Enter

جدول ۶- خلاصه‌ی مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون سبک زندگی بر رضایت‌مندی زوجی

SIG	PP	T	B	B	R2	R	متغیر پیش بین
/۰۰۰۱	/۰۱	-۳/۲	-/۲۰	/۴۷	/۰۴۳	/۲۰۷	سبک زندگی

همان‌گونه که از داده‌های ارایه شده در جدول ۶-۴ بر می‌آید، ۴/۳ درصد واریانس رضایت‌مندی زوجی به وسیله‌ی سبک زندگی پیش‌بینی می‌شود. سبک زندگی با میزان بتای ۰/۲۰- به صورت منفی رضایت‌مندی زوجی را پیش‌بینی می‌کند.

پیش‌بینی رضایت‌مندی زوجی با توجه به سن و مدت ازدواج

فرضیه‌ی سوم: سن پیش‌بینی‌کننده‌ی معنادار رضایت‌مندی زوجی می‌باشد.
 فرضیه‌ی چهارم: مدت ازدواج پیش‌بینی‌کننده‌ی معنادار رضایت‌مندی زوجی می‌باشد.
 جهت آزمودن این فرضیه‌های پژوهش از تجزیه و تحلیل رگرسیون چندگانه (به شیوه‌ی همزمان) استفاده شد که نتیجه به شرح زیر می‌باشد:
 برای تعیین این‌که سن و مدت ازدواج به چه میزان و در چه جهتی رضایت‌مندی زوجی را پیش‌بینی می‌کنند، از رگرسیون چندگانه (به شیوه‌ی همزمان)^۱ استفاده شد. خلاصه‌ی نتایج این تحلیل در جدول ۷ ارایه شده است.

جدول ۷- خلاصه‌ی مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون سن، مدت ازدواج بر رضایت‌مندی زوجی

SIG	P	T	B	B	R2	R	متغیر پیش بین
	N.S	/۴۴	۰/۰۶۶	۰/۳۱	۰/۱۲۲	۰/۳۵	سن
/۰۰۰۰۱		-۲/۳۴	-۰/۳۹	-۱/۹۷			مدت ازدواج

همان‌گونه که از داده‌های ارایه شده در جدول ۷ بر می‌آید، ۱۲/۲ درصد واریانس رضایت‌مندی زوجی به وسیله‌ی عامل مدت ازدواج، سن و تعداد فرزندان پیش‌بینی می‌شود که فقط مدت ازدواج

^۱ -Enter

با بتای ۳۹- به صورت منفی سهمی معنادار در پیش بینی رضایت‌مندی زوجی دارد و عامل سن سهمی معنادار در پیش بینی رضایت‌مندی زوجی ندارد.

نتیجه گیری

هدف از انجام این پژوهش بررسی قدرت پیش بینی ویژگی‌های شخصیتی و سبک زندگی بر رضایت زوجی زنان پرستار می‌باشد. بر اساس نتایج جدول، عصبی بودن، سن و مدت ازدواج با رضایت‌مندی زوجی رابطه‌ی منفی و با توافق پذیری رابطه‌ی مثبت دارند و بین سبک زندگی با رضایت‌مندی زوجی (ضریب همبستگی -0.20) رابطه‌ی معنادار مشاهده شد. علت منفی بودن ضریب این است که بر اساس پرسشنامه‌ی سبک زندگی میلر و اسمیت نمره بالا نشان دهنده‌ی نامطلوب بودن سبک زندگی است. بدین معنی که هرچه سبک زندگی مطلوب‌تر باشد، رضایت‌مندی زوجی بیش‌تر و هر چه سبک زندگی نامطلوب‌تر باشد، رضایت‌مندی زوجی کم‌تر است.

فرضیه‌ی نخست: ویژگی‌های شخصیت (عصبی بودن، برون‌گرایی، باز بودن، وجدانی بودن، توافق) پیش بینی‌کننده‌ی معنادار رضایت‌مندی زوجی می‌باشند.

همان‌گونه که در جدول ۵ ملاحظه گردید، در بین ابعاد شخصیت، عامل عصبی بودن (بی‌ثباتی هیجانی) به گونه‌ی منفی سهمی معنی‌دار در پیش بینی رضایت‌مندی زوجی دارد، بدین معنی که هر چه عامل عصبی بودن (بی‌ثباتی هیجانی) بیش‌تر باشد، رضایت‌مندی زوجی کم‌تر و هر چه عامل عصبی بودن (بی‌ثباتی هیجانی) کم‌تر باشد، رضایت‌مندی زوجی بیش‌تر است. این یافته با یافته‌های پژوهش شاکل فورد، بی سرو گاتز (Shakelford, Besser, Goets, 2007)، نیمچک و اولسون (Nemchec & Ohson, 1999) و رجبی و بنگانی (Rajabi & Bangani, 2008)، هم‌خوانی دارد. در راستای تبیین این یافته می‌توان گفت که عصبی بودن (بی‌ثباتی هیجانی) یک ویژگی شخصیتی است که ارتباط تنگاتنگی با رضایت‌مندی زوجی دارد و با عدم ثبات عاطفی و عواطف منفی چون ترس، غم، برانگیختگی، عصبانیت، خشم، احساس گناه و نفرت همراه است. از آن‌جا که هیجان‌های مخرب در سازگاری فرد و محیط تاثیر دارند، افرادی که دارای نمره‌های بالا در این شاخص (عصبی بودن) باشند، احتمال بیش‌تری دارد که دارای باورهای غیر منطقی باشند و قدرت کم‌تر در کنترل تکانه‌ها و درجه‌های انطباق ضعیف‌تری با دیگران بویژه با همسران خود داشته باشند (Haghshenas, 2006) و در هنگام رویارویی با فشارهای روانی، ساز و کارهای مقابله‌ای ناکارآمدی مانند واکنش‌های پرخاشگرانه و خود سرزنی را بکار گیرند (Costa, McCrea, 1987).

این ویژگی‌ها روابط میان زن و شوهر را تحت تاثیر قرار داده و منجر به عدم رضایت افراد از زندگی زوجی می‌شود.

بین عامل برون‌گرایی و رضایت زناشویی رابطه‌ای معناداری یافت نشد. این یافته با نتایج پژوهش رجیبی و بنگانی (Rajabi & Bangani, 2008) ناهمخوان است، ولی با یافته‌های نیمچک و اولسون (Nemchec & Ohson, 1999) و احدی و اسکندری (Ahadi & Eskandari, 2009)، همخوان است. در تبیین یافته‌ی پژوهش مبنی بر عدم وجود رابطه‌ی معنی‌دار بین عامل برون‌گرایی و رضایت‌مندی زوجی برخی از پژوهشگران بر این باورند که عامل شخصیتی برون‌گرایی اهمیت چندانی در شکل‌دهی کیفیت روابط نزدیک و از جمله روابط زوجین ندارند و این عامل شخصیتی به گونه‌ی عمده در روابط اجتماعی همبسته است (Tobin, at al, 2000; quoted by Ahadi &, 2009). با این حال، به دلیل تناقضاتی که در یافته‌های پژوهش در زمینه‌ی رابطه‌ی بین برون‌گرایی و رضایت‌مندی زوجی وجود دارد، لزوم مطالعات بیش‌تر جهت درک دقیق‌تر و روشن‌تر در این باره احساس می‌شود. همچنین، رابطه‌ای معنادار بین عامل شخصیتی بازبودن و رضایت زناشویی بدست نیامد. بنابراین، فرضیه‌ی سوم تأیید نمی‌شود.

این نتیجه با نتایج نیمچک و اولسون (Nemchec & Olson, 1999) و رجیبی و بنگانی (Rajabi & Bangani, 2008)، ناهمخوان است، ولی با یافته‌ی احدی و اسکندری (Ahadi & Eskandari, 2009) همخوانی دارد. در تبیین این یافته‌ی پژوهشی مبنی بر عدم رابطه می‌توان گفت همان‌گونه که مک کری و کوستا (Costa, McCrea, 1987) بیان داشته‌اند، در میان پنج عامل بزرگ شخصیت، عامل بازبودن، پیچیده‌ترین عامل است و درک و شناسایی آن دشوار است، همچنین این عامل، بسیار کم‌تر از ابعاد دیگر در نزد اهل فن، شناخته شده است (Haghshenas, 2006). بنابراین، مطالعات و پژوهش‌های بیش‌تری باید صورت گیرد تا رابطه‌ی بین این عامل و رضایت‌مندی زوجی مشخص شود. در ضمن این‌که در این بعد، تاثیر تعیین‌کننده‌های محیطی و موقعیتی را نباید نادیده گرفت.

بین عامل وجدانی بودن و رضایت‌مندی زوجی نیز رابطه‌ای معنادار یافت نشد. این یافته با یافته‌های پژوهش شاکل فورد و بی سرو گاتز (Shakelford, Besser, Goets, 2007)، نیمچک و اولسون (Nemchec & Ohson, 1999) و رجیبی و بنگانی (Rajabi & Bangani, 2008)، ناهمخوان است، ولی با یافته‌ی جنتی و همکاران، همخوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که این پژوهش در مورد پرستاران انجام گردیده، در حالی که پژوهش‌های دیگر در مورد افرادی غیر از پرستاران انجام شده است و از آن‌جا که پرستاران در محیطی مشغول به کار هستند که با جسم و روح بیماران سر و کار دارند؛ لذا، بنظر می‌رسد که نسبت به بیماران حساسیت بیش‌تری نشان

بدهند و بیش‌تر احساس مسئولیت و تلاش کنند تا به وظایف خود عمل کنند، در حالی که ممکن است به خاطر شیفت‌های کاری خود کم‌تر به مسایل درون خانواده، فرزندان و همسران خود برسند و نتوانند مسئولیت‌های خود را به خوبی ایفا کنند و چون در تنظیم برنامه‌ی کاری و شیفت‌های خود دخیل نیستند، مگر در موارد استثنا، ممکن است نتوانند برنامه‌ی از پیش تعیین شده برای خود داشته باشند، ولی با این حال، ممکن است که همسر و فرزندان آن‌ها این موضوع را پذیرفته و در روابط خانوادگی آن‌ها هیچ مشکلی ایجاد نگردد پس بر این اساس می‌توان گفت که این مقیاس می‌تواند در رضایت زوجی پرستاران نقشی نداشته باشد.

توافق پذیری نیز به صورت مثبت رضایت‌مندی زوجی را پیش‌بینی می‌کند، بدین معنی که هر چه عامل توافق بیش‌تر باشد، رضایت‌مندی زوجی نیز بیش‌تر است. یافته‌های بدست آمده از این پژوهش با یافته‌های شاکل فورد، بی سر و گاتز (Shakelford, Besser, Goets, 2007) و رجیبی و بنگانی (Rajabi & Bangani, 2008)، مطابقت دارد. برای تبیین مبحث این یافته، می‌توان گفت افراد توافق پذیر، افرادی هستند که به دیگران اعتماد و حسن نیت دارند، مخلص و بی ریا هستند، به گونه‌ای سخاوتمندانه به منافع دیگران اهمیت می‌دهند، در تعارضات بین فردی و زناشویی خود پرخاشگری را به خوبی کنترل کرده و برای بخشیدن و فراموش کردن خطاها آمادگی دارند؛ این افراد مطیع بوده و فروتنی و تعادل خود را حفظ می‌کنند، هم‌چنین، به خوبی دیگران را درک کرده و افرادی واقع بین هستند که تصمیم‌های منطقی را بر اساس واقعیت‌های موجود اتخاذ می‌کنند. با این تفاسیر بنظر می‌رسد که این افراد، رضایت‌مندی زوجی بیش‌تری را تجربه می‌کنند.

فرضیه‌ی دوم: عامل سبک زندگی پیش‌بینی کننده‌ی معنادار رضایت زوجی می‌باشد.

همان‌گونه که داده‌های ارایه شده در جدول ۶ نشان می‌دهند، ۴/۳ واریانس رضایت‌مندی زوجی با سبک زندگی پیش‌بینی می‌شود که بر اساس ضریب بتا سبک زندگی (۰/۲۰-) رضایت‌مندی زوجی را پیش‌بینی می‌کند. در نتیجه، فرضیه‌ی شش تایید می‌گردد. علت منفی بودن ضریب این است که بر اساس پرسشنامه‌ی سبک زندگی میلر و اسمیت، نمره‌ی بالا نشان دهنده‌ی نامطلوب بودن سبک زندگی است و بدین معنی است که هر چه سبک زندگی نامطلوب‌تر باشد، رضایت‌مندی زوجی کاهش می‌یابد. و بر عکس هر چه سبک زندگی مطلوب‌تر باشد، رضایت زناشویی افزایش پیدا می‌کند. این یافته با یافته‌ی آقایی و همکاران (Aghaei, et al, 2004)، هم‌خوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت سبک زندگی روشی است که فرد در طول زندگی انتخاب کرده و بازتابی کامل از ارزش‌های اجتماعی، طرز برخورد، فعالیت‌ها، الگوهای رفتاری و عادات فردی چون تغذیه، خواب، فعالیت‌های بدنی، شرکت در مجامع و فعالیت‌های اجتماعی و برنامه ریزی مربوط به فرزندان و خانواده می‌باشد. هنگامی که انجام این امور در حد مطلوب باشد،

افراد از سلامت جسمانی و روانی برخوردار می‌شوند و در نتیجه، این عامل باعث می‌شود که خانواده کم‌تر دچار مشکل شود و در پی آن ناسازگاری در خانواده کم‌تر پیش بیاید و خانواده کم‌تر دچار آسیب گردد. از این‌رو منطقی بنظر می‌رسد، افرادی که دارای سبک زندگی مطلوب باشند، رضایت‌مندی زوجی بیش‌تری را تجربه کنند و برعکس سبک زندگی نامطلوب، کاهش رضایت‌مندی زوجی را به دنبال داشته باشد.

فرضیه‌ی سوم: سن افراد پیش‌بینی‌کننده‌ی معنادار رضایت‌مندی زوجی می‌باشد.

بر اساس داده‌های بدست آمده از جدول ۵، رابطه‌ای معنادار بین سن و رضایت‌مندی زوجی در این گروه یافت نگردید. بنابراین، فرضیه‌ی ۷ تایید نشد. این یافته با یافته‌ی کارنی و برادبوری (karny, Bradbury, 2000) و هیرومی (Hiron, 1988)، هم‌خوانی ندارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت هر چند بنظر می‌رسد بالا رفتن سن باعث پخته‌تر عمل کردن افراد می‌شود، ولی افراد پرستار، چون از تحصیلات بالا برخوردارند، ممکن است از همان ابتدا به صورت پخته عمل کنند، در نتیجه، در این گروه سن نتوانسته رضایت‌مندی زوجی را پیش‌بینی کند. در ضمن می‌توان گفت که افراد در هر سنی که باشند، می‌توانند از رضایت زناشویی برخوردار شوند و این بستگی به خود فرد، عملکرد و انتظارش از زندگی دارد.

فرضیه‌ی چهارم: عامل مدت ازدواج پیش‌بینی‌کننده‌ی رضایت زناشویی می‌باشد.

همان‌گونه که نتایج جدول ۵ نشان می‌دهند، عامل مدت ازدواج به گونه‌ی منفی رضایت‌مندی زوجی را پیش‌بینی می‌کند، بنابراین، فرضیه‌ی هشت تایید می‌شود. بدین معنی که با افزایش طول مدت ازدواج، رضایت‌مندی زوجی کاهش می‌یابد.

این یافته‌ی پژوهش با یافته‌ی زمانی منفرد (Zamani monfared, 1997) هم‌خوانی دارد، ولی با یافته‌های شبانی حصار (Shabani hesar, 2001)، ناهم‌خوان است. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت، بیش‌تر زوج‌هایی که مدت زیادی از زندگی زناشویی‌شان نمی‌گذرد، به دلایل گوناگون، از جمله وجود عشق و محبت اولیه و برخورد نداشتن با مشکلات، رضایت‌مندی زوجی بالایی را گزارش می‌کنند، اما با افزایش طول مدت ازدواج، زوجین در زندگی با مسایل و مشکلات جدیدتر، از جمله مشکل در تربیت فرزندان، مشکلات اقتصادی و بوجود آمدن چالش‌های جدید روبه‌رو می‌شوند که این مسایل بر زندگی زوجین تاثیر منفی گذاشته و باعث کاهش رضایت‌مندی زوجی آن‌ها می‌شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نهایی

در یک جمع‌بندی نهایی و با توجه به هدف نهایی این پژوهش که در پی بررسی قدرت پیش بینی ویژگی‌های شخصیتی و سبک زندگی بر رضایت‌مندی زوجی بود، با بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌های آماری بدست آمده، مشخص شد که بین متغیرهای عصبی بودن و رضایت‌مندی زوجی رابطه‌ی منفی؛ بین توافق با رضایت‌مندی زوجی رابطه‌ی مثبت و مدت ازدواج با رضایت‌مندی زوجی رابطه‌ی منفی وجود دارد. همچنین، این عوامل سهمی معنادار در پیش بینی رضایت‌مندی زوجی نشان دادند. بنابراین، می‌توان گفت که این عوامل می‌توانند رضایت‌مندی زوجی را پیش بینی کنند و پیش بینی کننده‌ی خوبی برای رضایت‌مندی زوجی باشند.

با توجه به نتایج بدست آمده از این پژوهش، برای افزایش رضایت‌مندی زوجی بایستی به صورت هدفمند در مورد چگونگی شکل‌گیری ویژگی‌های شخصیتی در کودکان و نوجوانان تاکید نمود. پیدایش ویژگی‌های شخصیتی از همان سال‌های اولیه‌ی زندگی شروع و سیر تکاملی خود را در سال‌های بعدی زندگی طی می‌کند. همچنین، آموزش در خصوص سبک زندگی سالم و مطلوب تامین کننده‌ی سلامت فردی می‌باشد.

بر اساس نظر روان‌شناسان رشد، ویژگی‌های شخصیتی در اثر تعامل عوامل زیستی و محیطی صورت می‌گیرد. میزان تاثیر عوامل محیطی و زیست‌شناختی در شکل‌گیری ویژگی‌های شخصیتی در بین صاحب‌نظران روان‌شناسی متفاوت است، ولی بر اساس نظریه‌ی رویکرد صفات و روان‌شناسانی چون ریموند کتل و از این قبیل، شخصیت انسان و رشد آن، هم تحت تاثیر ژنتیک و هم محیط قرار دارد، اما تاثیر عوامل محیطی در شکل‌گیری ویژگی‌های شخصیتی جنبه‌ی غالب داشته و می‌تواند در کل مجموعه شخصیت فرد تاثیر گذار باشد. این عوامل محیطی تأثیرگذار در شخصیت انسان، از خانواده به عنوان مهم‌ترین عامل شروع و به سایر عوامل گسترش می‌یابد. در اثر این عوامل نوعی ادراک از ویژگی‌های شخصیتی در فرد شکل می‌گیرد که زمینه ساز رفتارها و تمایلات بعدی فرد با محیط می‌شود و خانواده، به عنوان مهم‌ترین نهاد که در تامین نیازهای عاطفی، اجتماعی و فرهنگی افراد جامعه سهمی عمده داشته، توانایی آن را دارد که در خودشکوفایی اعضای آن موثر واقع شود. در نتیجه، نوع رفتار حاکم بر اعضای خانواده، در آموزش و پرورش نیروی انسانی سالم برای جامعه، بسیار تأثیر گذار است، به گونه‌ای که روابط سالم بین اعضای خانواده و رضایت‌مندی بیش‌تر، منجر به انسجام خانوادگی و از سوی دیگر تعارض بین اعضای خانواده و رضایت‌مندی زوجی کم‌تر موجب بروز اختلافات رفتاری می‌شود و از سوی دیگر ایجاد سبک زندگی مطلوب، موجب می‌شود که افراد، زندگی توأم با رضایت‌مندی را تجربه کنند و با اتخاذ سبک مبتنی بر گرایش‌های اجتماعی روابط خود را بهبود بخشند.

References

- 1- Aghaei, A. Malekpoor, M. & Mosavar, SH. (2004). The relation between the life style and conjugal-life satisfaction in artists and ordinary people. a quarterly journal of science –research Islamic azad university of khorasgan ,vol 6, 21, 22, (169-190). (in Persian).
- 2- Ahadi, B. Eskandari, H. (2009). Personality and marital satisfaction. quarterly journal of psychology and educational science, 86-98. (in Persian).
- 3- Bani Asadi, H. . (2002). The effect of effective individual –social factor on marital satisfaction human science. Journal of sistan & Bluchestan University, 7-29. (in Persian).
- 4- Caughlin, G.P, Huston, T.L. and Houts ,R.N.(2000). How does personality matter in marriage .an mxamination of trait anxiety, Interpersonal Negativity and marital satisfaction. *Journal of Personality and social psychology*, 78, pp, 326-33.
- 5- Esfandiari Tashvih, F. (2009). Relationship of self –regulation and life style with eating attitude in fat and normal ones .M.A. distertation in general psychology Islamic azad university of marvdasht. (in Persian).
- 6- Estagi, Z. Akbarzadeh, R. Tadayonfar, M. Rahnama, F. Zardosht, R. & Najar, I. (2007). The study of life style among Sabzevar city, journal of medical science faculty, vol 13, 3, 134-139. (in Persian).
- 7- Fahimi, R. (2002). Relation between parent marital satisfaction and their young children depression. M. A. dissertation teacher training university. (in Persian).
- 8- Forghani, R. (2003). The effectiveness of cognitive behavioral group training on marital satisfaction in Shahrkord. M. A. dissertation Esfahan University. (in Persian).
- 9- Ghorbanali poor, M., Farahani, H., Borjali, A. & moghadas, L. (2008). Effectiveness of life style change by group on increasing marital satisfaction. Psychological studies, Faculty of educational science and psychology, Azahra university, 4, 57-72. (in Persian).
- 10 - Hafez sherbe, R., Hosseinian, S. (2004). Comparison of personality characteristic of marital employed women and homey in Mashhad city and their relation of these characteristics with marital satisfaction. New and counseling research, Vol 2, 73-89. (in Persian).
- 11- Haghshenas, H. (2006). Design of five factorial of personality characteristics. Shiraz medical science. (in Persian)
- 12- Hosseini(Birjandi), S.m. (1998). Counseling and marriage. Avaye noor: Tehran. (in Persian).
- 13- Jahan govah, F. (2009). The relation between meaningful in life and marital satisfaction. Psychology and educational science quarterly, 49-68. (in Persian).

- 14- Janati jahromi, M. Moein, L. Yazdani, L. (2010).Relation between personality characteristics and marital satisfaction among employed women in kazeroon city. Quarterly journal of women and society,2, 143-146. (in Persian).
- 15 - John, M. Malouf, Einer B. Thorsteinsson, Nicola s.Schutte, Navjot Bhullar, Sally E.Rook.(2010).the Five-Factor model of personality and relationship satisfaction of intimate partners: A meta-analysis. Journal of research in personality.44.(124-127).
- 16 - Karny, B.R. & Bradbury, T.N. (2000).Marital satisfaction in intimate relationship. Journal of Marriage &Family. 63(2),504-513.
- 17 - Luo, S. Klohnen, E.c. (2005). Assertative mating and marital quality in Newlyweds a Couple – centered and Approach. Journal of personality and social psychology.88, 304-326.
- 18- McCrea, R.R., Costa, P.T& Holland, J. L. .(1987),Validation of the Five-Factor model of personality across instrument and observers. Journal of Personality and Social psychology,52-81-90.
- 19- Mousavi, A. (2005). A study of the degree of educational women's satisfaction from marital life. Project of stu(in Persian).
- 20- dies on cultural social planning jomhuri. (in Persian).
- 21- Olson, R. R. and Nemchek, S. (1999). Five Factor personality similarity and marital adjustment .Social behavior and personality *An International Journal* . p, 309-317.
- 22- Rajabi, GH. Bangani. Kh. (2009). Relation between personality characteristic and love components with marital satisfaction among married employed worker in Ahvaz City. New and counseling reaserch, 25, 7-25. (in Persian).
- 23- Rojers, M.T. (1999). Marital satisfaction as it related to similarity versu complementarity in personality dimensions (couples).*The Science /Engineering* .Vol 60 (4-b), pp,17-19.
- 24- Sanaei zaker, Bagher. (2000).Family and marriage scale. Besat: Tehran. (in Persian)
- 25- Sarukhani. B. (1991). Industrial to family sociology, sorush: Tehran. (in Persian).
- 26- Shabani Hesar, H. (2001). Relation between economical, Social stutus of couple with marital satisfaction .M.A. dissertation Allameh Tabatabaei university. (in Persian).
- 27- Shokrkon, H., KhojastehMehr, R., Attari, Y., Haghghi, J., Shahnh Yeilagh, M. (2006). A study of personality characteristics, Social skills, Attachment style and sociological characteristics as predictors of success and failure in marital relation among couples requested divorce and norma in Ahvaz City. Journal of

educational science and psychology Ahvaz University, Vol 3, 1-30. (in Persian).

28- Suitor, J-Jill pillemer, Karl. (1994).Family care giving and marital satisfaction . *Journal of Marriage and the Family*.VOL,5(3).3-446.

29- Sullivan, K.T. (1997). Contribution of personality and behavior to chang in marital satisfaction . *The sciences & engineering*. vol 5 (6-b), pp.3328.

30- Shakelford,R.,Basser,M.,Goets,D.,(2007).,For better or for worse: Marital Well-being of Newly weds. *Journal of counseling psychology*, 14, 223-242.

31- Winch, R. (1974).Selected studies in marriage and the family. NewYork: Holt rinehart and winston, Inc.

32- Yannick, Stephan. (2009). Openness to experience and active older adults life satisfaction: A trait and facet-level analysis. *Journal of Personality and IndividualDifferent*.47, 637-647.

33- Zamani monfared, A. (1997). Relationship of marital needs level and ability level of self assertiveness in group of married couple related industrial organization in Tehran. M.A. dissertation, Allameh tabatabaei university. (in Persian).

